

بررسی انتقادی کلیات لایحه «تأمین امنیت زنان علیه خشونت»

محمد رضا کدخدایی

دانش آموخته سطوح عالی حوزه و دکترای مطالعات جنسیت و خانواده

Mohammadkadhodaee@yahoo.com

چکیده

بررسی انتقادی کلیات لایحه «تأمین امنیت زنان علیه خشونت» تقدیمی دولت و باز اصلاح این لایحه تحت عنوان «صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت»، موضوع این نوشتار است. روش توصیفی-تحلیلی و جمع آوری اطلاعات به روش اسنادی و با مراجعه به کتابها و همایشها و مصاحبههای نخبگانی است. رؤس نقدهادر چهارده محور بیان گردید و نهایتاً راهبردهای اصلاحی، پیشنهاد شد. واژگان کلیدی: خشونت علیه زنان، لایحه خشونت، امنیت زنان، کرامت بانوان

مقدمه

لایحه «تأمین امنیت زنان علیه خشونت» به وسیله معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری تدوین و از طرف کمیسیون لوایح دولت به قوه قضائیه ارجاع شد. این لایحه نهایتاً بعد از طی مراحل در اواخر شهریورماه ۱۳۹۸ از طرف قوه قضائیه به دولت عودت شد و لایحه «صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت» نام گرفت.

فرایند تدوین لایحه از دولت دهم شروع شد ولی پیش‌زمینه اصلی آن به اوائل دهه ۸۰ در دولت اصلاحات برمی‌گردد. پرونده خشونت علیه زنان در «مرکز امور مشارکت زنان» دولت اصلاحات تشکیل شد. این مرکز با همکاری برخی دیگر از نهادهای دولتی، مجموعه پیمایش‌های اجتماعی با موضوع خشونت علیه زنان در ۲۸ استان کشور انجام داد و نتیجه گرفت که ۶۶ درصد زنان (دو سوم زنان) در معرض خشونت خانگی هستند (قاضی طباطبایی و دیگران، ۱۳۸۳). فرایند تدوین لایحه در مواجهه با این مشکل در دولت‌های بعدی استمرار یافت. سرگذشت اجمالی این لایحه به قرار ذیل است (کارشناس ارشد دفتر بررسی‌های حقوقی معاونت امور زنان و خانواده، ۱۳۹۸/۹/۹، تاریخ بازبینی: ۱۳۹۸/۱۰/۳):

- ۱۳۹۰: طرح اولیه پیش‌نویس لایحه تحت عنوان «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت»، به وسیله «مرکز امور زنان و خانواده» ریاست جمهوری دولت دهم. این لایحه حدود ۹۳ ماده داشت.

- ۱۳۹۱: ارسال لایحه از معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری دولت دهم و ارجاع آن به کمیسیون لوایح. کمیسیون لوایح به دلیل ماهیت قضایی بخش‌هایی از این لایحه، آن را مسترد می‌نماید.

- مردادماه ۱۳۹۲: بازگشت لایحه به معاونت زنان و خانواده دولت یازدهم. معاونت مذکور بعد از بازگشت، تغییرات عمده در لایحه ایجاد کرد که دلائل این تغییرات اجمالاً به شرح ذیل است: تغییر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲؛ تغییر

آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲؛ رویکرد دولت یازدهم در تطبیق با شاخص‌های توسعه و کنوانسیون‌های بین‌المللی.

۱- سفندماه ۱۳۹۵: نهایی شدن متن لایحه در معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در دولت یازدهم با ۹۲ ماده.

۲- اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶: ارسال از معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری به دولت و ارسال دولت به کمیسیون لوایح.

۳- ارسال کمیسیون لوایح به قوه قضاییه (تحت ریاست آیت الله آملی لاریجانی) به دلیل ماهیت قضایی بخش‌هایی از لایحه.

۴- بررسی لایحه با حدود ۵۸ جلسه کارشناسی با نمایندگان دولت و قوه قضاییه (تحت ریاست آیت الله آملی لاریجانی). در نتیجه این بررسی ۵۳ ماده تأیید و مابقی به دلیل هم‌پوشانی با قوانین موضوعه حذف، و برای دریافت آرای نخبگان منتشر گردید.

۵- شهریورماه ۱۳۹۸: با روی کار آمدن ریاست جدید قوه قضاییه (حجت الاسلام و المسلمین رئیسی)، ضمن جلب نظرات کارشناسی معاونت‌های مربوطه، لایحه مذکور در قالب ۵ فصل و ۷۷ ماده نهایی شد و در اواخر شهریور ۱۳۹۸ به تأیید قوه قضاییه رسید و به دولت ارجاع شد. این لایحه که قبلاً لایحه «تأمین امنیت زنان علیه خشونت» نام گرفته بود، تحت عنوان لایحه «صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت» ارائه گردید.

۶- وضعیت کنونی (آذرماه ۱۳۹۸) لایحه به این قرار است که قاعداً لایحه ارجاعی قوه قضاییه به کمیسیون لوایح دولت ارجاع شده است و کمیسیون لوایح دولت نیز آن را به دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط ارجاع و بعد از استعلام نظر دستگاه‌های اجرایی در نوبت بررسی کمیسیون لوایح هیئت دولت قرار خواهد گرفت. بعد از تأیید نهایی به هیئت دولت ارجاع و در صورت تصویب به مجلس ارسال خواهد شد.

این نوشتار تأملاتی انتقادی به لایحه دولت و اصلاحیه قوه قضاییه بر آن است. توصیف و تحلیل انتقادی متن در ضمن توجه به بافت حقوقی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی لایحه، مبنای روشی این نوشتار است. تأملات انتقادی لایحه، انکار نکات مثبت یا انگیزه‌های نیکوی فرای آن نیست. لایحه‌های این چنینی، مبتنی بر

انگیزه‌های اصلاحی تدوین می‌گردد و دربردارنده نکات مثبت هستند. با این وجود بررسی‌های انتقادی مسیر تولد و تکامل راه صواب را هموار نموده و ضرورت می‌یابد. شاخص‌ترین نکات مثبت لایحه به قرار ذیل است:

زنان به دلایل مختلف بخش آسیب‌پذیرتر جامعه بوده و مستلزم حمایت ویژه هستند. از نظر شرع و قانون حمایت از قشر آسیب‌پذیر شایسته بلکه بایسته است و تدوین لایحه با سوگیری جنسیتی به هدف پوشش چنین ضرورتی است. تجمیع قوانین ناظر بر خشونت علیه زنان به عنوان یک «مشکل اجتماعی»، خشونت علیه زنان را به «مسئله» حاکمیت و اجتماع تبدیل می‌کند (برهانی، wrc.ir/news/view/۷۶۶۸۵/۱). بسیاری از مواد این لایحه خلأهای قانونی در رابطه با حمایت از بانوان را پوشش می‌دهد.

در ادامه، سابقه حقوقی در فضای بین‌المللی و فراملی؛ مختصات کلی لایحه و نکات انتقادی در مورد کلیات لایحه مطرح می‌شود. بررسی تفصیلی فصول و مواد این لایحه بخش دیگری خواهد بود که مجالی دیگر می‌طلبد.

۱- سابقه حقوقی لایحه در اسناد فراملی

در مقدمه توجیهی پیش‌نویس لایحه تدوین شده به وسیله معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری (اردیبهشت ۱۳۹۶)، صراحتاً آمده است: «پابندی به تعهدات بین‌المللی و الزامات دیپلماتیک توجیه دیگری برای اهمیت پرداختن دولت به این مقوله و ارائه لایحه است». این عبارت که به وسیله معاون وقت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری تاکید و تصریح شده (مولاوردی، ۱۳۹۶/۱۰/۱۱)، اگرچه در متن نسخه‌های اخیر لایحه نیست، لکن نمایانگر یکی از انگیزه‌های تدوین لایحه است. تبعیت مفاهیم و ساختار لایحه از اسناد فراملی، نمود عملی این انگیزه است.

ساختار، محتوا و مفاهیم مطرح شده در لایحه «تأمین امنیت زنان علیه خشونت» تحت تأثیر اعلامیه «پایان خشونت علیه زنان» (۱۹۹۳) و کنوانسیون‌های اروپایی پیرامونی آن است. اعلامیه پایان خشونت علیه زنان که به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد، بارزترین پشتوانه شکل‌گیری اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و قوانین ملی در رابطه با موضوع خشونت علیه زنان است.

دیگر اسناد بین‌المللی که مفاد اعلامیه بین‌المللی «پایان خشونت علیه زنان» در بستر آن معنا و تفسیر می‌گردد و در متن این اعلامیه بدان تصریح شده عبارتند از: کنوانسیون «رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» (۱۹۷۹)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بیرحمانه، غیر انسانی یا ترذیلی (۱۹۷۵)، کنفرانس نایروبی برای پیشرفت زنان (استراتژی‌های آینده‌نگر) (۱۹۸۵)، قطعنامه ۱۹۹۰/۱۵ شورای اجتماعی سازمان ملل، قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی ۱۹۹۱/۱۸.^۱

در متن اعلامیه بین‌المللی «پایان خشونت علیه زنان» تصریح شده است که این اعلامیه مکمل و تقویت‌کننده مفاد کنوانسیون «رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» و در مسیر اجرای کامل و روشن آن است. بند الف ماده ۴ اعلامیه، دولت‌ها را به تصویب کنوانسیون یا «اجرای رسمی مفاد آن» با صرف نظر از حق شرط و لحاظ قیدهای خاص، مکلف می‌نماید.

ماده ۴ این اعلامیه صراحتاً دولت‌ها را مکلف نموده است بدون بهانه قراردادن رسوم و سنت‌ها و ملاحظات مذهبی یا قید و شرط‌های خاص، به خشونت علیه زنان بر اساس چارچوبی که در این قطعنامه و کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان آمده است، اقدام کنند. شاخص‌ها و گویه‌های خشونت عمدتاً به وسیله سازمان بهداشت جهانی^۲ تعریف شده (room/fact-who.int/news)

۱. دیگر اسناد بین‌المللی پیرامونی اعلامیه پایان خشونت علیه زنان عبارتند از: کنوانسیون منع مجازات کشتار جمعی، کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، کنوانسیون تکمیلی راجع به الغای بردگی، تجارت برده و نهادهای مشابه بردگی، قطعنامه اولین کنفرانس جهانی زن در مکزیکوسیتی (۱۹۷۵)، قطعنامه دومین کنفرانس جهانی زن در کپنهاگ (۱۹۸۵)، قطعنامه سومین کنفرانس جهانی زن در نایروبی (۱۹۸۵)، قطعنامه چهارمین کنفرانس جهانی زن در پکن (۱۹۹۵)، اعلامیه راجع به حمایت از زنان و کودکان در مواقع اضطراری و درگیری‌های مسلحانه، اعلامیه مشارکت زنان در تحکیم صلح و همکاری‌های بین‌المللی. (رک: سیمبر، رضا، ارسال قربانی شیخ‌نشین، و نسترن شکوهی‌راد. «فعالیت‌ها و اقدامات سازمان ملل برای جلوگیری از پدیده خشونت علیه زنان: فرصت‌ها و چالش‌ها»، ۱۳۹۰).

women-against-sheets/detail/violence) و مقیاس های آن ارائه می گردد (ر.ک: میرغفوروند، زاده چرندابی، اصغری جعفرآبادی و اسدی، ۱۳۹۵: ۱۷۵-۱۸۴). این شاخص ها در پیمایش ملی خشونت علیه زنان در استان های مختلف ایران به آزمون گذاشته شد و متعاقبا در لایحه خودنمایی کرد. براساس همین فرایند چارچوب قطعنامه و کنوانسیون از نظر شکل و ساختار و محتوا و مفاهیم، در لایحه تدوین شده در معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری دولت یازدهم بروز یافت.

کنوانسیون «رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» یا اعلامیه «پایان خشونت علیه زنان» به تصویب جمهوری اسلامی ایران نرسیده است، لکن لایحه «تأمین امنیت زنان علیه خشونت» متأثر از آن دو بوده است. این لایحه برای جلب نظر قوه قضائیه در بخش های قضایی به قوه قضائیه ارسال شد. قوه قضائیه (تحت ریاست حجت الاسلام و المسلمین رئیسی) به هدف بومی سازی این لایحه با فرهنگ اسلامی و ایرانی و متناسب با ادبیات حقوقی ایران، در عناوین مجرمانه و مفاهیم مطرح شده در لایحه ارسالی دولت، تغییراتی اعمال کرده است.

۲- مختصات کلی لایحه

لایحه «صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت» ارجاعی از قوه قضائیه، از ۵ فصل و ۷۷ ماده تشکیل شده است. فصل اول (کلیات) در بردارنده یک مقدمه کوتاه تحت عنوان مبنا و سه ماده است. ماده اول اهداف هفت گانه تدوین لایحه را ذکر کرده است. در ماده دوم به جرائم موضوع این لایحه اشاره شده است و ماده سه، نسبت جرائم و مجازات های این لایحه با دیگر قوانین را تذکر می دهد. فصل دوم (تشکیلات)، مواد ۴-۹ را پوشش می دهد و موضوع اصلی آن به تشکیلات پیگیری کننده این لایحه پرداخته است. فصل سوم تحت عنوان وظایف دستگاه های اجرایی و نهادها در بردارنده هجده زیرفصل، ناظر بر دستگاه های مختلف حاکمیتی است. زیرفصل ها و دستگاه ها عبارتند از:

مبحث اول: معاونت پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه (مواد ۱۰-۱۱)؛ مبحث دوم: دادستانی کل (ماده ۱۲)؛ مبحث سوم: وزارت دادگستری (ماده ۱۳-۱۴)؛ مبحث

چهارم: وزارت کشور (ماده ۱۵)؛ مبحث پنجم: وزرات آموزش و پرورش (ماده ۱۶)؛ مبحث ششم: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (ماده ۱۷)؛ مبحث هفتم: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (ماده ۱۸)؛ مبحث هشتم: سازمان صدا و سیما (ماده ۱۹)؛ مبحث نهم: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (ماده ۲۰)؛ مبحث دهم: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (ماده ۲۱)؛ مبحث یازدهم: سازمان بهزیستی (ماده ۲۲)؛ مبحث دوازدهم: وزارت راه و شهرسازی (ماده ۲۳)؛ مبحث سیزدهم: شهرداری‌ها (ماده ۲۴)؛ مبحث چهاردهم: نیروی انتظامی (ماده ۲۵)؛ مبحث پانزدهم: سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی (ماده ۲۶)؛ مبحث شانزدهم: سازمان پزشکی قانونی (ماده ۲۷)؛ مبحث هفدهم: سازمان ثبت اسناد و املاک کشور (ماده ۲۸)؛ مبحث هجدهم: کانون وکلای دادگستری و مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه (ماده ۲۹).

فصل چهارم به جرائم و مجازات‌ها اختصاص دارد و پنج زیر فصل را در برمی‌گیرد: مبحث اول: جرائم علیه تمامیت جسمانی (ماده ۳۰-۳۴)؛ مبحث دوم: جرائم علیه حیثیت معنوی و روانی (ماده ۳۵-۴۲)؛ مبحث سوم: جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی (ماده ۴۳-۵۰)؛ مبحث چهارم: جرائم علیه حقوق و تکالیف خانواده (ماده ۵۱-۵۵)؛ مبحث پنجم: جرائم علیه حقوق و آزادی‌های مشروع زن (ماده ۵۶-۶۴). فصل پنجم تحت عنوان آیین دادرسی، مواد ۶۵-۷۷ این لایحه را به خود اختصاص داده است.

۳- شاخص‌ترین نقدها به کلیت لایحه

شاخص‌ترین نقدها به کلیت لایحه اجمالاً عبارتند از: نقد ناظر بر پژوهش‌های اجتماعی منتهی به لایحه؛ نقد ناظر بر استلزامات تبعیت لایحه از اسناد فراملی؛ نقد ناظر بر هدف اصلی، شکل هدف‌گذاری و خودنقضی در اهداف؛ عدم تفکیک روابط خانوادگی و اجتماعی؛ نقد رویکرد جنسیتی در قوانین؛ عدم لحاظ مناسبات حق و تکلیف؛ خروج موضوعی لایحه نسبت به خشونت علیه زنان؛ ولع جرم‌انگاری و

جهش در مجازات‌ها؛ ابهام در نسبت لایحه با قوانین محتوایی و شکلی موجود؛ عدم نگاه جامع سیستمی؛ استفاده از مفاهیم کلی و عناوین مجرمانه تفسیرپذیر.

۳،۱. پژوهش‌های اجتماعی منتهی به لایحه

ضرورت پیگیری حقوقی مسئله خشونت علیه زنان مستند به مجموعه پیمایش‌هایی است که در این موضوع انجام گرفته است. پیمایش‌های موجود بسته به تفاوتی که در شاخص‌ها، گویه‌ها و روش دارند بین ۳۰ تا ۹۴ درصد خشونت علیه زنان را در ایران گزارش می‌کنند (علی‌پور، رفیعی، علیار و بهرامی، ۱۳۹۸: ۱۳۱-۱۵۴؛ قهاری، عاطف وحید و یوسفی، ۱۳۸۲: ۸۳-۸۹). «طرح ملی بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان»، کلان‌ترین این پژوهش‌هاست.

«طرح ملی بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان» در مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری بین نیمه دوم دهه هفتاد تا اوایل دهه هشتاد در سراسر کشور انجام گرفت^۱ و در سال ۱۳۸۳ در ۳۲ مجلد منتشر شد (قاضی طباطبایی، محسنی تبریزی، مرجایی و همکاران، ۱۳۸۳). متعاقباً، بسیاری از تحلیل‌ها و پژوهش‌های نظری و برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان در موضوع خشونت علیه زنان به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به این پیمایش ملی مستند می‌گردد.

بر اساس نتایج بدست آمده از این کلان پروژه ملی که در ۲۸ استان کشور به اجرا گذاشته شد، حدود دو سوم زنان (۶۶درصد) بعد از ازدواج حداقل یکبار تحت یکی از انواع نه‌گانه خشونت روانی یا فیزیکی قرار داشته‌اند. خشونت روانی شامل خشونت کلامی، خشونت ناشی از حالات غیر کلامی، خشونت اقتصادی، خشونت حقوقی و خشونت علمی - فکری - اجتماعی. خشونت فیزیکی نیز خشونت فیزیکی نوع اول و نوع دوم را شامل می‌گردد.

برخی از شاخص‌های جزئی‌تر انواع خشونت عبارتند از: خشونت کلامی مثل کنایه‌زنی، متلک‌پرانی، بالابردن آهنگ صدا، انتقاد ناروا، تحقیر، بددهانی، توهین،

۱. این پیمایش ملی با همکاری وزارت کشور، وزارت علوم و برخی دیگر از نهادهای دولتی انجام پذیرفت.

تم سخر، فحش و تهدید به انجام کارهای آسیب‌زا برای زن؛ خشونت غیرکلامی مثل درهم کشیدن چهره بدلیل خشم، تنفر، تمسخر و بی‌اعتنایی یا حالت بدنی هجوم برنده؛ خشونت اقتصادی و مالی مثل ندادن مخارج زندگی، تحت فشار قراردادن از جهت مخارج زندگی، تصرف و استفاده بدون اجازه از اموال شخصی زن، سرکشی به حساب بانکی؛ خشونت حقوقی مثل استفاده از برتری‌های حقوقی که موجب ضربه زدن به زن شود مثل طلاق یا ازدواج مجدد، ایجاد محدودیت در رفت و آمد به قصد آزار زن. خشونت اجتماعی یا علمی و فکری نیز مثل ممانعت از تحصیل و اشتغال یا کسب امتیازهای اجتماعی.

برخی گویه‌های تشخیصی انواع خشونت به‌همراه نتایج شایع‌ترین مصادیق آن در پیمایش ملی مرکز امور زنان و خانواده، عبارتند از: بهانه‌گیری‌های پی‌درپی، داد و فریاد و بداخلاقی با زن (۳۸/۴ درصد)، قهر و صحبت نکردن شوهر با همسر و خودداری از ارائه بحث در مورد مسائل فیما بین (۳۷/۹ درصد)، به‌کاربردن کلمات رکیک و صحبت‌های بیرون از نزاکت و دشنام (۳۰/۸ درصد)، محکم کوبیدن در، به‌هم زدن سفره، انداختن میز ناهارخوری (۲۵ درصد)، سیلی‌زدن (۲۲/۶ درصد)، ایجاد فشارهای روحی روانی با رفتار آمرانه و تحکم‌آمیز (۲۰/۷ درصد) منت نهادن مداوم از بابت تامین معاش و عهده‌داری زندگی و سرکوفت‌های روانی پی‌درپی (۱۷/۹ درصد)، تحقیر و خجالت زده کردن: نظیر بی‌احترامی، بی‌ارزش تلقی کردن و بردن آبرو پیش دیگران (۱۷/۵ درصد)، کشیدن و هل دادن (۱۶/۸ درصد)، ممانعت از کارایی و اشتغال در بیرون خانه و یا ادامه اشتغال (۱۶/۸ درصد)، ایجاد محدودیت در ارتباطات فامیلی (۱۶/۶ درصد)، ایجاد مداوم احساس درماندگی (۱۵/۶ درصد)، زدن با مشت و یا چیز دیگر (۱۵/۵ درصد)، لگد زدن (۱۶/۳ درصد)، از بین بردن کرامت انسانی و عزت نفس (۱۲/۵ درصد)، ایجاد محدودیت در ادامه تحصیل، مهارت‌آموزی و مشارکت در انجمن‌های اجتماعی (۱۱/۳ درصد).

کم شایع‌ترین مصادیق انواع خشونت بر اساس این پیمایش ملی عبارتند از: انجام کارهای خلاف عرف و شرع و قانون (۱/۱ درصد)، کتک‌کاری منجر به سقط جنین

(۱/۲ در صد)، نقص عضو (۱/۳ در صد)، شکسته شدن فک یا بینی (۱/۵ در صد)، پارگی پرده گوش (۱/۵ در صد)، از دست دادن دندان (۱/۶ در صد)، شکستن دست و پا (۲ در صد)، جلوگیری از نگهداری فرزندان در زمان متارکه (۲ در صد)، ازدواج مجدد شوهر بدون رضایت همسر (۲ در صد)، مجبور کردن به سقط جنین (۲/۵ در صد)، لق شدن دندان (۲/۵ در صد)، عدم مراعات بهداشت زناشویی (۲/۶ در صد).

دیگر شاخص‌های خشونت علیه زنان عبارتند از: تحت نظر قرار دادن و ایجاد محدودیت در تماس‌های تلفنی و رفت‌وآمدهای روزانه، تهدید به ترک خانه، تهدید شوهر به آوردن بلا بر سر خویش و یا اقدام به خودکشی، تهدید به آزار و اذیت فرزندان، تهدید و شکایت به پلیس و دادگاه علیه زن و اقوام او، تهدید به طلاق و یا تهدید به ازدواج مجدد و آوردن هوو، بیگاری کشیدن در انجام امور، تهدید به کشتن فرزندان و اقوام و خویشان، ندادن خرجی و ایجاد مضیقه مالی و اجبار برای درخواست پول، جلوگیری از استقلال مالی، مجبور کردن به فروش اموال، عدم دسترسی به درآمد و پس انداز، دخل و تصرف در اموال، امتناع از طلاق علی‌رغم اصرار زن به متارکه، مجبور کردن به دیدن عکس‌های مبتذل، اجبار در روابط زناشویی ناخواسته، رابطه زناشویی غیرمتعارف، عدم بکارگیری و سایل پیشگیری از بارداری، جلوگیری از مصرف داروهای ضدبارداری، متهم کردن به بی‌مبالاتی در مسایل ناموسی، شک و بددلی، محروم کردن از غذا و دارو در زمان بیماری، زندانی کردن، اخراج از خانه، کشیدن یا گرفتن و بستن، لگد زدن، گازگرفتن، کتک کاری مفصل، چنگ انداختن و کشیدن موها، زدن تا حد کبودی زیر چشم، زدن تا حد لق شدن دندانها، زدن تا حد از دست دادن دندانها، شکستن دست یا پا، پاره شدن پرده گوش، بستری شدن و رفتن نزد دکتر، شکستن فک و بینی و بیهوشی (نتایج طرح ملی بررسی خشونت خانگی علیه زنان در ۲۸ استان، ۸۳۰۷-۰۷۰۲۴/isna.ir/news).

بر اساس نقدی که برخی اندیشمندان علوم اجتماعی مطرح می‌کنند، این پیمایش و بسیاری از پیمایش‌های انجام شده در مورد خشونت علیه زنان در ایران از نظر

چارچوب نظری و روشی، مشکل اساسی دارند و نتایج برآمده از آنها منعکس کننده واقعیت جامعه ایران نیست (ر.ک: رضایی، زنجانی و الهی، ۱۳۹۶). تبعیت از نظریه‌ها و چارچوب‌های نظری غربی؛ محوریت عناوین مجرمانه در اسناد بین‌المللی و فراملی؛ تدوین شاخص‌ها و گویه‌های پیمایش بر اساس تحقیقات انجام‌شده در کشورهای غربی؛ در نظر نگرفتن مؤلفه‌های فرهنگی و بومی جامعه ایران نسبت به جوامع غربی؛ عدم توجه به تفاوت‌های فرهنگی و بومی در فرهنگ‌های مختلف ایران؛ عدم توجه به نگرش زنان در تحقق خشونت؛ مهم‌ترین نقدهای مطرح شده بر پیمایش‌های است که در صدد توجیه ضرورت لایحه است (احمدزاد اصل، داودی، زارعی، محمد صادقی، خادم‌الرضا، رسولیان، بی‌تا: ۴۳—۵۳؛ ولویون، برهانی، زیبایی‌نژاد، علا‌سوند و کرمی، wrc.ir/news/view/1/76685).

اگرچه برخی از این شاخص‌ها با عرف متدینانه و اجتماعی ایران هم‌خوان است لکن شاخص‌هایی نیز وجود دارد که در تضاد با عرف جامعه مسلمان ایرانی است. بعنوان مثال شاخص «کنترل نامتعارف» که یکی از مصادیق خشونت اجتماعی تلقی شده است با این سؤال مطرح می‌شود: آیا تا به حال شاهد کنترل شوهرتان نسبت به نوع روابط با دوستان یا پوشش‌تان بوده‌اید؟ جواب مثبت به این پرسش مساوی است با تحقق خشونت عاطفی.

افزون بر این بسیاری از شاخص‌های متناسب با ویژگی‌های دینی و اجتماعی جامعه ایران وجود دارد که مدنظر مقیاس‌سازان این پژوهش‌ها قرار نگرفته یا حتی متضاد با آن معیار خشونت تلقی شده است. به‌عنوان مثال حتی یک بار اجازه ندادن به همسر برای خروج از منزل فارغ از هر دلیلی به‌عنوان مصداق خشونت علیه زن تلقی شده است یا درحالی که بسیاری از زنان، اشتغال به برخی مشاغل مثل مشاغل فنی را خشونت علیه زنان تلقی می‌کنند براساس استانداردهای بین‌المللی عدم تشابه جنسیتی در این زمینه‌ها خشونت علیه زنان شناسایی می‌گردد (ر.ک: توضیحات ذیل بند ۳،۵ روابط خانوادگی مصادیق اصلی جرائم و مجازات‌های موضوع لایحه).

جالب آنجاست که برخی پژوهش‌ها در مورد خشونت علیه مردان بر اساس همین شاخص‌ها، تقارن اجمالی بین خشونت علیه زنان و خشونت علیه مردان و حتی فراوانی بیشتر خشونت علیه مردان در بسیاری از گویه‌ها را گزارش می‌کند.^۱ این اشکالات باعث شد گروهی از پژوهش‌گران و حتی دست‌اندرکاران طرح ملی مذکور، متعاقباً سعی نمودند نظریه‌های استفاده‌شده در پژوهش مذکور را در قالب‌های بومی شده بازپژوهی نمایند و به عرصه مقیاس‌ها و پرسش‌نامه‌های بازپژوهشی شده روی‌آوردند (پرسشنامه استاندارد خشونت خانگی علیه زنان محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۷۶۳/iransanjeh.com). این درحالی‌است که نتایج طرح ملی، هنوز مبنای تحلیل و تبیین‌های نظری و مداخله‌های عملیاتی از قبیل تدوین لایحه خشونت علیه زنان است.

۳،۲. استلزام حقوقی و قضایی تبعیت لایحه از اسناد بین‌المللی

پایبندی به تعهدات بین‌المللی، یکی از انگیزه‌های مصرح در تدوین لایحه است. تفسیر حقوقی و تطبیق قضایی مفاد لایحه (در صورت تصویب)، متناسب با مفاد اسناد بین‌المللی و فراملی، مهم‌ترین استلزام حقوقی و قضایی تصویب لایحه «تأمین امنیت زنان علیه خشونت» است. برخی از عناوین مجرمانه و مفاهیم توصیف‌کننده عناصر مادی و معنوی جرائم موضوع این لایحه؛ مبهم، مجمل، کلی، به‌شدت تفسیرپذیر و توسعه‌پذیر است. «تفسیر لفظی» و «منطقی» و «تاریخی» این عناوین و مفاهیم، می‌تواند مقتضی رجوع به مفاهیم و مواد مطرح شده در اسناد بین‌المللی باشد.^۲

تطبیق قضایی مفاد لایحه نیز با همین آسیب روبروست. بسیاری عناوین مجرمانه و عناصر مادی و روانی آن در نظام حقوقی ایران تنقیح نشده است. عناوینی مثل

۱. برخی از این پژوهش‌ها در ذیل عنوان « ۳،۷. ضرورت مداخله حاکمیتی با رویکرد زن‌محورانه» گزارش و اشاره می‌شود.

۲. اقتضای تفسیر لفظی مراجعه به عرف تخصصی و معنایی است که نویسندگان و طراحان اصلی قانون اراده کرده‌اند. تفسیر منطقی نیز مقتضی توجه به نظم منطقی مواد و اصول حاکم بر آن و نسبت آن با دیگر قوانین است. بر اساس تفسیر تاریخی نیز با مراجعه به مقدمات تهیه قانون و مباحثه‌های الهام‌بخش آن سعی در رفع ابهام و اجمال از مواد قانون دارد. کاتوزیان، فلسفه حقوق، ج ۲ ص ۲۳۵-۲۴۸.

خشونت روانی، خشونت جنسی، آزار جنسی، تعرض جنسی، مزاحمت، بهره‌کشی و امثال آن نمونه‌ای از این مفاهیم است.

اگر بپذیریم که رفت‌وبرگشت بین دینی‌بودن و عرفی‌شدن گریبان‌گیر قوای حاکمیتی و جامعه ایرانی است، تفسیرپذیری حقوقی و قضایی عناوین مطرح در این لایحه از چالش‌های فراروی این لایحه در صورت تصویب خواهد بود. تطبیقات متفاوت و بلکه متناقضی که رئیس قوه قضاییه و معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در مورد مصادیق مورد حمایت لایحه اشاره نمودند، نمونه‌ی کوچکی از این چالش است.

برخی از مهمترین مصادیقی که در کشورهای اسلامی تصویب کننده، مصداق یکی از اقسام خشونت تلقی و در روابط بین اعضای خانواده‌های مسلمان چالش‌انگیز شده عبارتند از: تعدد زوجات، ازدواج موقت، اجبار یا اکراه زوجه و دختر به سکونت در محل خاص یا ممانعت زوجه یا دختر از سکونت در محل خاص، اجبار یا اکراه زوجه به تمکین، رابطه جنسی یا هرگونه کنش‌گری جنسی بدون رضایت همسر، اکراه به شکلی خاص از رابطه جنسی، رابطه جنسی از غیر طریق متعارف، اکراه زوجه به فرزندآوری، منع زوجه از سقط جنین، منع از خروج منزل، هرگونه بهره‌برداری اقتصادی به بهانه ازدواج دختر، ممانعت از حق ازدواج دختر، نکاح با دختران زیر سن قانونی، دشنام، بی‌احترامی، منزوی کردن و حبس موقت (حبس کردن دختر در اتاق)، تصرف در اموال دختر یا همسر، ممانعت از تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی، الزام به کار، نفی قرابت، الزام یا اکراه به نوع خاصی از آموزش (آموزش دینی) یا انجام واجبات دینی، تنبیه بدنی زوجه یا دختر، به کاربردن کلمات تحقیرکننده، تهدیدکننده، هرگونه مداخله در حریم خصوصی همسر یا دختر، کنترل روابط،....

جمهوری اسلامی ایران رسماً کنوانسیون «رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» و «پایان خشونت علیه زنان»، را تصویب نکرده است با این وجود الگوگیری ساختاری، محتوایی و مفهومی از این اسناد در تدوین لایحه خشونت علیه زنان از یک‌سو و مشروح مذاکرات و ادبیات حاکم بر طراحان اصلی این لایحه؛ مستلزم تفسیر لفظی و

منطقی و تاریخی مفاهیم اتخاذ شده در این لایحه (در صورت ابهام و اجمال) بر اساس اسناد مذکور است. توسل به قاعده تفسیر مضیق یا تفسیر به نفع متهم رافع این اشکال نیست بلکه دقیق‌سازی عناوین مجرمانه و عناصر و شرایط حاکم بر آنها در متن لایحه، به‌عنوان راهبرد مواجهه با این آسیب پیشنهاد می‌گردد.

اشکال مطرح شده اگرچه با اصلاحات اعمال شده از طرف قوه قضاییه در لایحه ارسالی دولت، ترقیق و تلطیف شده است، لکن کلیت آن همچنان باقی است.

۳,۳. خود نقیضی لایحه در اهداف

یکی از اهداف اصلی این لایحه که در ماده یک بدان تصریح شده است حمایت از انسجام خانواده است. در حالی که تبعات اجرایی کردن بخش قابل ملاحظه‌ای از محتوای لایحه، در تضاد با این هدف است (آیت‌اللهی، لایحه «امنیت زنان در برابر خشونت» یا اجرای هدف ۵ سند ۲۰۳۰، kayhan.ir/fa/news/۱۲۱۹۳۹). بالارفتن ریسک ازدواج دائم و تشکیل خانواده و تزلزل خانواده بارزترین نتیجه چنین لوایحی است.

عمده مجازات‌های پیش‌بینی شده در جرائم موضوع این لایحه از سنخ مجازات‌های مشدد از نوع حبس است. ازطرفی اکثر مصادیق این جرائم بین اعضاء خانواده اتفاق می‌افتد، ادعای حفظ انسجام خانواده با مجازات حبس مشدد، قابل تأمل است.

بر اساس عمومات و اطلاعات لایحه، کنش‌گری مجرمانه زنان نیز در تحقق جرائم موضوع این لایحه توسعه می‌یابد. به‌عنوان مثال بیشترین سطح ارتباط داخل خانواده بین مادر و نامادری و خواهر بزرگتر با دختر خانواده یا کنش‌گری معلمان زن نسبت به دانش‌آموزان دختر است. با توجه به اطلاعات توسعه‌پذیر مصادیق مجرمانه در این لایحه، ریسک مجرمیت و متعاقباً مجازات‌های مشدد این زنان بالا رفته و نهادهای خانواده و آموزش را با چالش روبرو می‌سازد.

۳,۴. هدف‌گذاری غیرفنی در لایحه

ماده ۱، هدف‌های ۶ یا ۷ گانه‌ای را برای لایحه در نظر گرفته است. هدف‌نگاری در لایحه حقوقی دارای کارکردهای مختلف حقوقی و قضایی خصوصاً در تفسیر حقوقی و تطبیق قضایی است، نه امری صرفاً شعاری و نمادین. هدف‌گذاری بایستی مبتنی بر تبیین‌های نظری و منطبق با اسناد فرادستی یک نظام حقوقی باشد. به عنوان مثال اگر تزامنی بین اهداف ناظر بر امنیت زن (بند الف) و اهداف ناظر بر تحکیم مبانی خانواده (بند ب) باشد کدام هدف مقدم می‌شود؟ اگر تقدم و تأخر این دو هدف رتبی باشد، غیر متناسب با اسناد فرادستی است و اگر این تقدم و تأخر غیررتبی باشد، باید تکلیف تزامن مشخص شود.

در مشابه‌های فراملی، اهداف اصالتاً ناظر بر زن است و در این لایحه به صورت مشترک ناظر بر خانواده و زن است. در لایحه‌های فراملی اگر تزامنی بین مصالح ناظر بر زن و مصالح ناظر بر خانواده پیش بیاید، قاعدتاً مصالح زن مقدم می‌شود. درحالی‌که در این لایحه هدف‌انگاری دوگانه است و تبیین نظری یا سازوکاری برای رفع تزامن احتمالی وجود ندارد.

۳,۵. روابط خانوادگی مصادیق اصلی جرائم و مجازات‌های موضوع لایحه

فضای دنبال شده برای تدوین لایحه خشونت علیه زنان، عمدتاً متأثر از ارزش‌ها و شاخص‌های لیبرالی است و به همین دلیل بر خشونت خانگی متمرکز است. این در حالی است که به خلاف غرب که خشونت علیه زنان تداعی‌کننده خشونت خانگی است در فضای اجتماعی ایران و تحت تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی و دینی حاکم بر این فضا، خشونت علیه زنان در جامعه ایران باید تداعی‌کننده خشونت در جامعه باشد. (کلانتری: wrc.ir/news/view/۷۶۶۸۵/۱) تبیین این ادعا مستلزم اشاره به نکاتی است.

مسئله اصلی در رشته‌های علمی مختلف از جمله رشته «مطالعات جنسیت و زنان» یا گرایش «جامعه‌شناسی جنسیت و زنان» و گرایش «حقوق زن»، مسئله فروتری زنان و خشونت علیه زنان است. این رشته‌های علمی در پاسخ به معضلات عینی جامعه

غرب سامان یافته است. بر اساس طیف وسیعی از نظریه‌های اجتماعی مورد بررسی در این رشته‌های دانشگاهی، بنیادی‌ترین منشاء خشونت علیه زنان، خشونت خانگی است و بیشترین مصادیق آن نیز در خانواده یا از خانواده است (ر.ک: رزماری تانگ، درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیسم، ترجمه منیژه نجم عراقی، نشر نی؛ پاملا ابوت، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، نشر نی؛ استفان گرت، جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه کتابون بقایی، نشر نی).

گرچه خشونت علیه زنان، شامل خشونت در خانواده یا اجتماع می‌گردد لکن به دلیل نقش بنیادین خانواده در خشونت علیه زنان این عنوان در غرب تداعی‌کننده خشونت خانگی و خشونت در خانواده است. نمود این پدیده با توجه به شاخص‌ها و گویه‌های خشونت علیه زنان در اسناد بین‌المللی قابل اثبات است. علت این پدیده را نیز در موارد ذیل باید جستجو کرد: ارزش‌ها و ویژگی‌های نظام لیبرال سرمایه‌داری، استلزامات شاخص‌های توسعه در مدل غربی و تضاد آن با مختصات و ارزش‌های خانواده در شکل طبیعی، سنتی و دینی.

شاخص‌های مختلف بین‌المللی در حوزه جنسیت، نمونه‌ای از سندهای مرتبط با این ادعا است.^۱ به عنوان نمونه، شکاف جنسیتی یکی از شاخص‌های بین‌المللی برای توانمندسازی زنان و تحقق اهداف عمدتاً اقتصادی در مدل توسعه غربی است. برخورداری زنان از فرصت‌ها و توانمندی‌های اجتماعی و اقتصادی از شاخص‌های کلی این سند است. برابری به معنای تشابه در سمت‌های مختلف فنی و غیرفنی، اقتصادی و سیاسی؛ درآمد مساوی با مردان در این سمت‌ها؛ ایجاد فرصت‌های برابر و مشابه برای رسیدن به این توانمندی‌ها و حذف موانع دسترسی به این فرصت‌ها از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه در این سند است.

۱. شاخص توسعه انسانی زنان HDI، شاخص توسعه جنسیتی GDI، شاخص وابسته به جنس GRDI، شاخص توانمندسازی جنسیتی GEM، شاخص نابرابری جنسیتی GII.

برهمن اساس، «فرزندآوری ناخواسته» یا «عدم حق طلاق با اراده زن»، یکی از موانع اصلی به‌زیستی زنان تحصیل کرده و مستعد پیشرفت است که دسترسی زنان به اهداف توسعه (دسترسى به منابع قدرت و ثروت و آزادی) را محدود می‌کند. بنابراین طبیعی است سقط جنین ناخواسته به دلائل اقتصادی یا اجتماعی یا تاکید بر حق طلاق به اراده زن، حق مسلم زن و یکی از شاخص‌های اصلی توسعه در همه کشورهای توسعه یافته غربی قلمداد شود؛ همچنان که طبیعی است هرگونه مداخله‌ای در عدم به رسمیت‌شناسی این حق یا مانع برای احقاق این حق، به عنوان مصداق خشونت علیه زنان تعریف گردد (fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D9%82%D8%B7_%D8%AC%D9%86%DB%8C%D9%86).

همچنان که طبیعی است ازدواج دختران زیر ۱۹ سال، خشونت علیه زنان و مصداق کودک‌آزاری باشد و روابط آزاد جنسی در این سنین آموزش، ترویج و شاخص سلامت روانی و اجتماعی تلقی گردد.

برخی دیگر از استلزامات طبیعی مدرنیسم و اجرای شاخص‌های توسعه در کشورهای توسعه یافته به قرار ذیل است: تاخیر در ازدواج، بالا رفتن سن والدین به هنگام تولد اولین فرزند، رشد میزان طلاق، پذیرش الگوهای مختلف همجنس‌گرایی، هم‌باشی، تک‌زیستی، تک‌والدگری و خانواده ناتنی به عنوان مدل‌های جدید خانواده، عدم پذیرش والدین زن یا شوهر به عنوان بخشی از خانواده، عدم پذیرش وظائف سنتی نسبت به بستگان نسبی، گسست و ستیز بین نسلی، پذیرش تمایز بین رابطه جنسی و همسری (والدگری)، هنجار شدن انواع مختلف الگوهای ارتباطی قبل و بعد از ازدواج،^۱ تکالیف حداقلی و بازنمایی حداکثری استقلال و آزادی (به معنای

۱. ازدواج سفید، زوج‌های نیمه‌مجزا، همخانگی، ازدواج پاره‌وقت، رابطه به‌جای ازدواج، روابط ناب یا جیب‌بلوزی، روابط قراردادی؛ رک: زیگمونت باومن، عشق سیال در ناپایداری روابط عاطفی دوران مدرن، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس، ۱۳۸۴، ص ۸-۲۵.

لیبرالیتی) زن و شوهر در حوزه های مختلف و... (باومن، همان؛ برناردز، ۱۳۹۲: ۴۰-۵۶؛ بهنام، ۱۳۸۳: ۷۰-۵۹).

ازاین روست که طیف وسیعی از نظریه پردازان اجتماعی اضمحلال ساختار و ارزش های خانواده و حتی «مرگ خانواده»، در کشورهای توسعه یافته را گزارش، آن را معلول یا کارکرد مدرنیسم یا شاخصی بر توسعه یافتگی قلمداد می کنند (Cooper, 1971). برخی از این نظریه پردازان این شاخص ها را مثبت ارزیابی و فرایند تمدن را فرایند گذار از خانواده و ارزش های حاکم بر آن می دانند. در مقابل برخی دیگر، ضمن پذیرش این شاخص ها، آن را منفی تلقی و احیای دوباره خانواده را ضروری می پندارند که هزینه آن دست کشیدن از برخی شاخص های توسعه است.

از نظر نظریه پردازان دسته اول، خانواده در شکل سنتی آن ساختار ذهنی محافظه کار است که ترس از توسعه (قدرت و ثروت و آزادی) برای زنان را با مفاهیمی مثل تقدس عفت، قناعت، ازدواج، انقیاد، شوهرداری، خانه داری، فرزندآوری، مادری و امثال آن، ترویج می کنند. خانواده در این دیدگاه چنین توصیف می شود: «کارگاه ایدئولوژی های سلطه جو و سلطه گر»، «ساختار مردسالار، برده وار و برده پرور»، «هسته واپس گرایی»، «ساختار ضد جنسیتی» و «مبعوض ترین ساختار اجتماعی که فروتری زنان در آن نهادینه می شود» (بهنام، ۱۳۸۳: ۱۳۸-۱۶۱).^۱ در نهایت شکل سنتی یا دینی خانواده و ارزش های حاکم بر آن با برجسب «ایدئولوژیک» بودن، قضاوت (برناردز، ۱۳۹۲: ۱۹) و سازوکارهایی اخلاقی و حقوقی دینی و اجتماعی که در مقام مقابله با این پدیده ها عمل کنند، خشونت آمیز تعریف گردند.

شکل سنتی و دینی خانواده با ارزش ها و احکامی روبرو است که بر اساس مدل توسعه مدار غربی خشونت بار تلقی می گردند. تقدیس عفت و غیرت ورزی، تقدیس ازدواج و تحریم روابط خارج از چارچوب ازدواج، تقدیس فرزندآوری و تحریم سقط

۱. نظریه های لیبرال، مارکسیتی، رادیکال و اگزیستانسیالیستی در بین نظریه های جنسیتی، این ایده را پشتیبانی می کنند. رک: رزماری تانگ، درآمدی جامع بر نظریه های فمینیسم، منیژه نجم عراقی. نشر نی؛ فصل اول، دوم، سوم و هفتم.

جنین، تقدیس خانه‌داری و فرزندپروری و محدودیت‌های اشتغال در برخی عرصه‌های اجتماعی، وجوب تمکین و تبعیت و تحریم خروج بدون اذن شوهر، اختیارات خاص شوهر در طلاق و... نمونه‌ای از مصادیقی است که براساس انگاره‌های توسعه غربی، خشونت بار تلقی خواهند شد.

با توجه به این نکات و پژوهش‌های مذکور در بررسی تحولات خانواده در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف؛ غیریت فضای اجتماعی و ارزشی کشورهای توسعه یافته و کشورهای درحال توسعه یا کشورهایی مثل ایران که از نظر حاکمیتی بر تحقق نوع خاصی از رویکرد دینی و ارزش‌های دینی اصرار دارند، امری مسلم است. کشاکش و تضاد بین این دو ایدئولوژی (اندیشه توسعه غربی و اندیشه پیشرفت بر مدار حفظ چارچوب‌های دینی و اجتماعی) نیز جز به وسیله برخی ژست‌های روشنفکر مآبانه، انکار نمی‌گردد.

در فضای اجتماعی ایران دوران معاصر، همگام با تقدس ارزش‌های ناظر بر خانواده، حضور اجتماعی زنان پررنگ‌تر می‌شود. عمده آسیب‌های ناظر بر خشونت علیه زنان از همین جهت پررنگ می‌گردد. بنابراین خشونت علیه زنان قاعداً باید تداعی کننده خشونت در جامعه باشد. این درحالی است که سوگیری لایحه به تبعیت از الگوهای فراملی و بین‌المللی، بیشتر بر مصادیق خشونت در خانواده متمرکز است (عبدالحسین کلانتری؛ نشست نقد و بررسی لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت؛ محمدتقی کرمی، نشست تخصصی بررسی لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت، wrc.ir/news/view/76685/1).

قوانین ملی و فراملی و بین‌المللی تدوین شده در کشورهای غربی اصالتاً ناظر بر حل مشکل خشونت خانگی و در مسیر اهداف و شاخص‌های توسعه تدوین شده است حتی اگر به قیمت تزلزل یا اضمحلال خانواده سنتی و دینی و جایگزینی الگوهای انحرافی خانواده، تمام شود. براساس هنجارهای دینی، فرهنگی، ساختار اجتماعی و مؤلفه‌های پیشرفت بر اساس ویژگی‌های بومی جامعه ایران، انسجام و

استحکام خانواده دغدغه و مسئله اصلی است. مسائلی مثل خشونت خانگی باید با توجه به حفظ این دغدغه بنیادی، سامان یابد.

۳،۶. لزوم تفکیک خانواده از اجتماع

به فرض پذیرش برخورد با مسئله خشونت علیه زنان به عنوان یک موضوع فراگیر در خانواده و اجتماع، تفکیک مصادیق خشونت خانگی و خشونت در اجتماع ضرورت دارد. قرارداد مصادیق خشونت در خانواده و جامعه تحت یک چتر قانونی و کیفری، اصالتاً با واقعیات فرهنگی و ساختارهای اجتماعی، ناسازوار است. این تفکیک بایستی هم ناظر بر جرم‌انگاری و پیش‌بینی مجازات باشد و هم ناظر بر دیگر اجزاء مداخله‌های پیش‌گیرانه، حمایتی و بازپرورانه.

همان‌گونه که اشاره شد، هدف‌گذاری اصلی این لایحه و مشابه‌های بین‌المللی آن ناظر بر روابط خانوادگی است. این نکته در اعلامیه بین‌المللی «پایان خشونت علیه زنان» تصریح و در مواد متعددی از لایحه «تأمین امنیت زنان علیه خشونت»، تأکید شده است. اطلاق‌های این لایحه در مورد مجرم، استثنایی را از نظر جنسیت مجرم یا نقش‌های خاص خانوادگی، تربیتی، اداری و امثال آن بر نمی‌تابد. بیشترین مصادیق مجرمانه ناشی از قوانین و کنوانسیون‌های مشابه این لایحه در کشورهای غربی و اسلامی تصویب‌کننده این قانون، ناظر بر روابط در خانواده و به طور خاص رابطه شوهر با زن یا پدر و مادر و برادر با دختر خانواده است.

اهمیت این امر زمانی آشکار می‌شود که عناوین مجرمانه و شرایط آن بسیار توسعه‌پذیر است و زمینه مناسبی برای دخالت حکومت در حوزه خصوصی و تزلزل روابط خانوادگی است. خصوصاً آنکه نوع جرائم پیش‌بینی شده در این قانون در شمار جرائم غیرقابل گذشت و غیر مقید به رضایت زن است و مجازات‌های پیش‌بینی شده نیز عمدتاً از سنخ مجازات‌های تشدید شده از نوع حبس است.

۳،۷. ضرورت مداخله حاکمیتی با رویکرد زن‌محورانه

به فرض چشم‌پوشی از اشکالات قبلی، ضرورت مداخله حاکمیتی و تدوین لایحه‌های حقوقی با رویکرد زن‌محورانه، محل تأمل برخی اندیشمندان علوم اجتماعی

است. در صورتی که رویکرد زن محورانه برای دفاع از زنان در برابر خشونت کار ساز باشد همین مدل قانون گذاری برای اقشار در معرض خشونت با قطع نظر از جنسیت نیز قابل تعمیم است. از این رو باید منتظر لایحه خشونت علیه کارگران، کارمندان، بیماران، سالمندان، مددجویان، صغار، مجانین و... نیز باشیم (مهرانگیز شجاع کاظمی، عبدالحسین کلانتری، نشست نقد و بررسی لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت، wrc.ir/news/view/76671/1). متعاقباً همین نکته در مورد خشونت علیه مردان نیز مطرح است.

برخی پژوهشگران اجتماعی اعتقاد دارند که مسئله خشونت علیه مردان حداقل در حیطه روابط خانوادگی همسان و حتی بنیادی تر از مسئله خشونت علیه زنان است. در این صورت اگر قائل باشیم مدل مداخله زن محورانه، برای رفع مسئله خشونت علیه زنان کارساز باشد، چرا همین مدل برای مردان هم اجرایی نگردد.

خشونت زنان علیه مردان در خانواده شامل خشونت زوجه علیه شوهر یا نامزد، خشونت زن علیه پدر یا پدر شوهر سالمند یا آسیب پذیر، خشونت مادر علیه پسر یا پسر شوهر یا خشونت خواهر علیه برادر، مطرح است. در بین اقسام مذکور، فراوانی خشونت زوجه علیه شوهر با استبعاد بیشتری روبروست؛ ازاین رو برخی پژوهش های غربی و داخلی در این زمینه را گزارش می کنیم.

پژوهش های پر شماری در کشورهای غربی نشان می دهد که اجمالاً زنان و مردان به یک اندازه همسرازار هستند. در کشورهای مختلف، همگام با بالا رفتن شاخص های توسعه یافتگی در کشورهای مختلف، این همسانی بیشتر نمایان می گردد. قاضی زاده (۱۳۹۷) در رساله دکتری خود حدود ۵۰ پژوهش در این زمینه را گزارش نموده است (ر.ک: قاضی زاده، زهراکار، کیامنش و محسن زاده، ۱۳۹۷: ۳۵-۴۸). این در حالی است که پیش انگاره های عوامانه، منکر این واقعیت و رویکردهای فمینیستی عمدتاً در صدد بازنمایی خشونت علیه زنان است (همان؛ محمدخانی، دوگاهه، رضایی، محمدی، آزاد مهر، ۱۳۸۵).

نظریه «یکسانی خشونت علیه زنان و مردان»، اولین بار در سال ۱۹۷۵ به آزمون گذاشته شد. نتایج پژوهش نشان داد، که ۱۱/۶ درصد مردان و ۱۲/۱ درصد زنان نسبت به همسر خود با خشونت رفتار می‌کنند. مطالعات استراوس (۱۹۹۹) نیز نسبت مشابه خشونت میان زوجین را تایید می‌کند (قاضی‌زاده، زهراکار، کیامنش و محسن‌زاده، ۱۳۹۷: ۴۸-۳۵). بر اساس این مطالعات در خشونت فیزیکی از نوع پرتاب کردن اشیاء، هل دادن، سیلی زدن، زنان و مردان مساوی؛ در خشونت فیزیکی از نوع مشت یا لگد زدن، خراش ایجاد کردن، تهدید یا استفاده از چاقو، مردان بیش از زنان قربانی خشونت بوده‌اند. این پژوهش نشان داد که از میان ۸ میلیون زوج در طول یک سال، ۱٫۸ میلیون زن و ۲ میلیون مرد قربانی خشونت سخت بوده‌اند (مجیدی، ۱۳۹۲).

در پژوهش اسکات (۱۹۹۶) در استرالیا، در همه انواع خشونت فیزیکی، زنان رتبه بالاتری در خشونت علیه شوهران بدست آوردند. سیلی زدن، هل دادن یا خراشیدن ۵/۱ درصد مردان در مقابل ۳/۲ درصد زنان؛ ضربه زدن با مشت یا ابزار سخت ۴/۱ درصد مردان در مقابل ۲/۵ درصد زنان؛ لگد زدن ۲/۱ درصد مردان در مقابل ۱/۴ درصد زنان، یورش‌های فیزیکی دیگر ۵/۷ درصد مردان در برابر ۳/۷ درصد زنان (همان).

موسسه پژوهشی عدالت از تجربه ۱٫۵ میلیونی زنان در مقابل ۸۳۴۷۰۰ نفری مردان از تجربه خشونت فیزیکی همسرانشان در سال ۱۹۹۸ خبر داد (قاضی‌زاده، زهراکار، کیامنش و محسن‌زاده، ۱۳۹۷). در پژوهش لاپری (۲۰۰۴) مشخص شد حدود ۲۳ درصد مردان در مقابل ۱۸ درصد از زنان متاهل کانادا، در طول یک سال مرتکب خشونت فیزیکی نسبت به همسرشان شده‌اند (همان).

پژوهش استیت و مک‌لین در اسکاتلند (۱۹۹۵)، چانگ ه‌سیو در تایوان (۲۰۱۱)، کلان پروژه دانشگاه تیلبورخ هلند (۱۹۹۷)، نمونه دیگری از پژوهش‌هاست که اجمالا تفاوت غیر معنادار خشونت علیه مردان و زنان را از نظر کمیت و کیفیت تایید می‌کند (مجیدی، ۱۳۹۲: ۱۳).

باوجود آنکه پژوهش‌های ناظر بر سنجش میزان خشونت علیه زنان در ایران بسیار زیاد است، پژوهش‌های اجتماعی با موضوع خشونت علیه مردان در ایران اندک‌اند. بااین وجود توجه اجمالی به شاخص‌ها و گویه‌های خشونت علیه زنان و بازتعریف آن برای مردان، بطلان این پیش‌انگاره عوامانه را روشن می‌سازد و برخی تحقیقات اجتماعی نیز آن را تایید می‌کند. به عنوان نمونه اگر گویه‌های خشونت علیه زنان در پیمایش ملی خشونت علیه زنان، برای مردان بازتعریف و پژوهش می‌شد، آیا اختلاف معناداری بین خشونت علیه زنان و علیه مردان وجود می‌داشت؟ اگر شاخص‌های بازتعریف شده برای مردان از شوهران همان زنانی که نتایج پژوهش ملی را رقم زدند پرسش می‌شد، اختلاف معناداری بین خشونت علیه زنان و خشونت علیه مردان دیده می‌شد؟

آیا می‌توان تصور کرد که شوهران همان زنانی که ۶۶ درصد آمار خشونت را پوشش دادند با یکی از همان شاخص‌های بازتعریف شده ذیل مواجه نبوده‌اند: بهانه‌گیری‌های پی‌درپی، جیغ و داد و بداخلاقی با شوهر، قهرکردن با شوهر، به‌کاربردن الفاظ بیرون از نزاکت، محکم کوبیدن در، خراش زدن صورت و سیلی‌زدن، ایجاد فشارهای روحی روانی با رفتار لجوجانه، منت نهادن مداوم از بابت انجام کارهای خانه، سرکوفت‌های روانی، تحقیر و خجالت زده کردن: نظیر بی‌احترامی، بی‌ارزش تلقی کردن و بردن آبروی شوهر پیش فرزندان یا دیگران به خاطر عدم توانایی شوهر در برآوردن انتظارات زن، مقایسه کردن شوهر با دیگران، کشیدن و هل دادن، تحت فشار قرار دادن به خاطر روابط با دوستان و فامیل، زدن یا پرتاب کردن وسائل منزل به طرف شوهر، لگد زدن، تحقیر جنسی شوهر به خاطر ضعف در ارضاء همسر، تهدید به طلاق یا ترک منزل یا خودکشی، استفاده از اهرم مهریه برای فشار بر شوهر، توهین به شوهر از بابت بی‌احترامی به خانواده شوهر و....

باوجود محدود بودن پیمایش‌ها در آزمون این فرضیه، همین پژوهش‌های اندک، آمار قابل ملاحظه‌ای از خشونت علیه مردان را منعکس می‌کند. بر اساس پژوهشی در پایتخت، ۲۶/۵ درصد مردان خشونت فیزیکی، ۵۹ درصد خشونت روانشناختی، ۱۹

درصد خشونت جنسی، را از طرف همسرانشان تجربه کرده‌اند (فیروزجاییان، رازقی، رضایی، ۱۳۹۴).

بازنمایی و بزرگنمایی منفعلانه خشونت علیه زنان و نادیده‌گیری و حتی برخورد ایدئولوژیک با مسئله خشونت علیه مردان، مانع اصلی پیمایش‌های اجتماعی در ایران و حتی انتشار پژوهش‌های پراکنده برخی پژوهش‌گران در این موضوع است (مهرانگیز شجاع کاظمی، عبدالحسین کلانتری، نشست نقد و بررسی لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت، wrc.ir/news/view/76671/1). این در حالی است که اغلب دانشمندان این حوزه اعتقاد دارند، مسئله خشونت علیه زنان به صورت سیکلی و دیالکتیک با خشونت علیه مردان تولید و بازتولید می‌شود. فهم و تبیین علی دقیق از خشونت علیه زنان و حل این مشکل، بستگی به فهم دقیق از همین مسئله در مورد مردان و رفع آن دارد.

در این میان برخی پژوهشگران نیز اعتقاد دارند خشونت‌های روانی و عاطفی علیه مردان از ناحیه زنان گسترده‌تر، پیچیده‌تر و سرکوب شده‌تر است و خشونت علیه زنان، معلول خشونت علیه مردان است. غالب پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان میل به ابراز و حتی بزرگنمایی خشونت علیه خودشان دارند درحالی که مردان میل به سرپوش گذاشتن بر این خشونت‌ها دارند. این پدیده عوامل مختلف زیست شناختی، روانشناختی، اجتماعی و فرهنگی دارد (ر.ک: مجیدی، ۱۳۹۲: ۲).

به دلایل ویژگی‌های خاص فرهنگی جامعه ایران، مردانی که در معرض انواع سخت و نرم خشونت قرار می‌گیرند، انگیزه ابراز اجتماعی یا پیگیری از طریق قوای حاکمیتی ندارند. هیچ مردی که تحت خشونت روانی و عاطفی یا جسمی از طرف همسر یا مادر قرار گرفته است، مشکل خود را به اجتماع یا قوای حاکمیتی ابراز نمی‌کند، چون سرکوب می‌شود یا حداقل آنکه حمایتی دریافت نمی‌کند. همین امر زمینه‌ساز شکل‌های مختلف خشونت متقابل مردان و زنان علیه یکدیگر خواهد شد.

بر این اساس لازم است مسئله خشونت علیه زنان و مردان به شکل توانمند محور تدوین لایحه قرار گیرد. مداخله‌های قانونی برای حمایت از خشونت علیه زنان، بدون

توجه به عوامل اصلی یا بدون توجه به مسئله خشونت علیه مردان، در حقیقت بازنمایی کردن بخشی از مشکل و کاریکاتوری کردن آن است. این شکل بازنمایی مسئله، به دلیل عدم توجه متوازن به روابط بین زن و مرد و به دلیل عدم توجه به عوامل شکل‌گیری خشونت علیه زنان، نه تنها مشکل خشونت علیه زنان را حل نمی‌کند بلکه منجر به اشکال غیرقابل کنترل خشونت خواهد شد. از این رو می‌توان ادعا کرد که اصل اولی درباره قوانین، بایستی عدم تبعیض جنسیتی باشد و تبعیض مثبت نسبت به زنان فقط در فرض اثبات ضرورت با حساسیت‌های دقیق اجتماعی پذیرفته است.

۳.۸. خروج موضوعی لایحه نسبت به خشونت علیه زنان با رویکرد جنسیتی

به فرض اثبات ضرورت نگاه جنسیتی به مسئله خشونت علیه زنان، موضوعات مطرح شده در لایحه از جرائم به لحاظ جنسیت فراتر رفته شامل موقعیت آسیب‌پذیر یا نوع رابطه مرتکب نیز شده است. لایحه در بخش کلیات ماده ۲، جرائم خشونت علیه زنان را اینگونه تعریف می‌کند: هر رفتار عمدی که به جهت جنسیت یا موقعیت آسیب‌پذیر یا نوع رابطه مرتکب، بر زن واقع شود و موجب ورود آسیب یا ضرر به جسم یا روان یا شخصیت، حیثیت و یا حقوق و آزادی‌های قانونی زن گردد.

«به عنوان مثال یک نفر اعم از خانم یا آقا در خیابان به یک آقا فحش داده است و در همان خیابان به یک خانم هم فحش داده است، چه وجهی دارد الزاماً فحش به خانم عنوان مجرمانه جدید بگیرد و مستلزم مجازات شدیدتر شود. عناوین مجرمانه که به خاطر موقعیت آسیب‌پذیر یا نوع رابطه مرتکب باشد، الزاماً جنسیت‌بردار نیستند و برای هردو جنس قابلیت سرزنش دارد. تفکیک این‌چنینی خروج موضوعی از لایحه است» (محسن برهانی، نشست تخصصی بررسی لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت، wrc.ir/news/view/1/76685).

عناوین مجرمانه یا مشترک میان زن و مرد است و یا مختص زنان است؛ در صورتی که مشترک باشد یا در قوانین دیگر موجود نیست و خلاء قانونی وجود دارد و یا خلاء قانونی نیست؛ اگر موضوع مشترک، خلاء قانونی داشته باشد با توجه به اینکه قوانین ما بر اساس جنسیت نیست، پس این خلاء در مورد مردان نیز وجود دارد

و نیازمند قانون‌گذاری در این باره هستیم. قانون هم بر اساس اصل اولی نباید براساس جنسیت باشد. اگر موضوع مشترک خلاء قانونی نداشته باشد در این صورت، تغییر قانون و تبعیض مثبت نسبت به زن باید ضرورت داشته باشد. اگر از موضوعات مختص زنان است در این صورت باید فقط در خصوص همان موارد وضع قانون شود و نیازی به یک لایحه مفصل نیست. بسیاری از موضوعات مطرح شده از مسائل مشترک است که خلاً قانونی ندارد.

۳،۹. لزوم لحاظ مناسبات حق و تکلیف در قانون‌گذاری

به فرض ضرورت مداخله حاکمیتی از نوع حقوقی در موضوعات مرتبط با خشونت علیه زنان، مناسبات حق و تکلیف به عنوان اصلی‌ترین اصول مترقی حقوقی بایستی رعایت گردد. تلازم حقوق و تکالیف، لزوم تعادل و توازن بین حقوق و تکالیف، لزوم تناسب حقوق و تکالیف با شخصیت، لزوم جریان قاعده زرین و قاعده انصاف، از جمله اصولی است که بایستی بر فرایند حقوقی کردن قواعد ناظر بر رفتار اجتماعی حاکم باشد. در غیر این صورت عدالت یا احساس عدالت در جامعه مخدوش و به نابسامانی و اضمحلال نظام اجتماع منجر می‌گردد.

بسیاری از مواد موجود در لایحه اقتضائات اولیه اصول مذکور را رعایت نکرده است. به عنوان مثال در مورد ترک وظایف خانوادگی از طرف زوج یا خروج نامتعارف از زندگی مشترک برای شوهر ضمانت اجراهای مت‌صلب کیفری پیش‌بینی شده در حالی که برای زوجه با وجود فراوانی ارتکاب همین جرائم، هیچ ضمانت اجرای کیفری وجود ندارد. از بین رفتن مناسبات حق و تکلیف عملاً به اختلال در نظام زوجیت، خانواده و دیگر ساختارهای کلان‌تر اجتماعی ختم خواهد شد و حتی زمینه‌ساز اشکال پیچیده‌تر خشونت علیه زنان می‌گردد.

۳،۱۰. مداخله کیفری در مورد خشونت علیه زنان

به فرض پذیرش ضرورت مداخله حقوقی و حاکمیتی در مورد خشونت علیه زنان، ضرورت مداخله کیفری به شکلی که در لایحه مطرح شده است، به شدت مورد نقد دانشمندان علوم اجتماعی و حتی زنان قربانی خشونت است. همان‌گونه که قبلاً اشاره

کردیم حوزه تمرکز اصلی لایحه خشونت علیه زنان، خشونت در بستر خانواده است. پیش فرض ذهنی قانونگذار آن است که لایحه، مطالبه زنان در معرض خشونت خانگی را پشتیبانی می‌کند، در حالی که پژوهش‌های اجتماعی این فرض ذهنی قانون‌گذار را نفی می‌کند.

بر اساس برخی پژوهش‌های اجتماعی، اغلب زنان که در معرض خشونت خانگی قراردارند اگر چه قائلند که مصادیق خشونت علیه زنان گسترده‌تر از چیزی است که در لایحه بدان اشاره شده، لکن مداخله کیفری در این زمینه را راهکار حمایتی تلقی نمی‌کنند. زنان قربانی خشونت، بر اساس یک انتخاب عقلانی و محاسبه‌گرانه، علی‌رغم این که می‌دانند خشونت می‌تواند رابطه را فرسایشی کند، ولی این حقیقت را می‌فهمند که حل و فصل این معضل به روش جرم‌انگاری‌ها و مجازات‌های کیفری، ضررهای گاه جبران‌ناپذیری را بر زنان تحمیل می‌کند. از اینرو موافق مداخله کیفری برای حل و فصل خشونت نیستند (ر.ک: برهانی، زیبایی‌نژاد و کرمی، wrc.ir/news/view/1/76685؛ صادقی‌فسایی، کلانتری و شجاع کاظمی، wrc.ir/news/view/1/76685؛ کریمی و جان‌بزرگی، wrc.ir/news/view/1/76685؛ آیت‌اللهی، kayhan.ir/fa/news/121939).

۳،۱۱. ولع جرم‌انگاری و جهش مجازاتی

مشکل‌سازی نگاه کیفری به خشونت علیه زنان زمانی پررنگ می‌شود که شاهد ولع جرم‌انگاری و جهش مجازاتی در لایحه هستیم. جرم‌انگاری گسترده وسیعی از کارهای ناشایست، نقد دیگر این لایحه است. به عنوان مثال ماده ۳۸ لایحه اصلاحی قوه قضائیه هجو جنس زن یا جامعه زنان را جرم‌انگاری کرده است. بر این اساس بسیاری از ضرب‌المثل‌ها و لطیفه‌های جاری بر زبان عوام و خواص جامعه و حتی روایات موجود در منابع روایی، طبق تلقی عرفی هجو و طبق مفاد این لایحه بازگو کردن آن‌ها جرم است.

هر کار ناشایستی صلاحیت جرم‌انگاری ندارد. جرم‌انگاری یک رفتار ناشایست بدون توجه به بسترهای اجتماعی نه تنها کمکی به فرهنگ‌سازی نمی‌کند بلکه زمینه

بی‌اثر شدن قانون یا سوء استفاده از آن را ایجاد می‌کند. ممکن است بسیاری از رفتارها از نظر فرهنگی نا‌شایسته باشد ولی جرم‌انگاری آن مصلحت جامعه و خانواده را در پی ندارد. بسیاری از عناوین مجرمانه در این لایحه به شدت فرهنگی است و تحت قاعده واحد درآوردن آنها زمینه سوء استفاده از قانون و سست شدن روابط اجتماعی و خصوصاً خانوادگی می‌گردد.

جهش در مجازات‌ها نیز اشکال دیگر لایحه پیشنهادی دولت است. این اشکال اگرچه در لایحه اصلاحی قوه قضاییه تعدیل شده است لکن کلیت آن همچنان به قوت خود باقی است. به عنوان مثال، در صورتی که خشونت علیه زنان منجر به سلب حیات شود مرتکب در لایحه تنظیمی دولت مستوجب حبس تعزیری درجه سه (۱۰ الی ۱۵ سال حبس) و در لایحه اصلاحی قوه قضاییه مستوجب حبس تعزیری درجه چهار (۵ تا ۱۰ سال) دانسته است. این درحالی است که مجازات تعزیری پیش‌بینی شده در ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات اولاً مقید به زمانی است که جرم موجب اخلال در نظم یا بیم تجری باشد و ثانیاً میزان آن نیز حبس ۳ تا ۱۰ سال بوده است! الگوی مجازات‌های جهش یافته در بندها و مواد دیگر لایحه نیز تکرار شده است.

۳،۱۲. نسبت لایحه با قوانین موجود و تشدید از جهت ماهیت جرائم و مجازات‌ها

قاعدتاً این لایحه در صورت تصویب - نسبت به مصادیق طرح شده بر تمامی قوانین کیفری مقدم خواهد بود. بدین معنا که در جاهایی که قوانین کشوری اطلاقی دارد، اطلاق را تقیید می‌زند، عمومات را تخصیص می‌زند و اگر مجازات وجود داشته باشد، مجازات مشدد پیش‌بینی شده در لایحه سیطره پیدا می‌کند و مورد استناد قرار می‌گیرد (برهانی، همان). با وجود این نسبت این لایحه در ادله اثبات جرم، آیین دادرسی و برخی نهادهای حقوقی مثل عوامل مخففه، معاذیر قانونی، منع و تعلیق تعقیب، قواعد ناظر بر معاونت و مشارکت در جرم با ابهام روبروست.

غیرقابل گذشت بودن بسیاری از جرائم پیش‌بینی شده در لایحه، عدم شناسایی نهاد منع تعقیب یا تعلیق تعقیب به وسیله بزه‌دیده و مجازات‌های مشدد تعزیری که عملاً عنان آن از دست بزه‌دیده خارج می‌گردد، از دیگر وجوه مورد انتقاد لایحه است.

این وجوه در مصادیق خشونت علیه زنان در نهاد خانواده پررنگ می شود. خصوصاً آنکه زنان نیز مثل مردان و حتی بیشتر از آنان، کنشگران خشونت خانگی علیه زنان خواهند بود.

این مشکل زمانی غیرقابل اجتناب می شود که بسیاری از مصادیق جرم انگاری شده در موضوع خشونت علیه زنان در شمار جرائم غیرقابل گذشت است که بر اساس قاعده و بر اساس مواد متعدد این لایحه قرارداد آن در جریان رسیدگی قضایی و کیفری از وظائف اشخاص حقیقی و حقوقی تلقی شده است.

۳،۱۳. سیاست جنایی در مواجهه با خشونت علیه زنان

به فرض پذیرش ضرورت مداخله کیفری مشدد در مصادیق مختلف خشونت علیه زنان، لایحه مذکور تحت یک سیاست کلان جنایی قرار نمی گیرد. در سیاست جنایی، مقابله کیفری با انحراف اجتماعی مثل خشونت علیه زنان، بایستی به گونه ای متعادل و سازوار، مسبوق بر انواع مواجهه های مؤثر پیشگیرانه (آموزشی، تربیتی، درمانی، اجتماعی، و ضعی، محیطی، انتظامی، اداری، پلیسی، قضایی، تقنینی غیرکیفری و...) از یک سو و سابق بر مداخله های معطوف بر حمایت و بازپروای مجرم و بزه دیده باشد. توجه و تأکید ناهمگون به مقابله کیفری بدون اقدامات سابق و مسبوق بر آن، نه تنها زمینه اصلاح مفسده مورد نظر (خشونت علیه زنان) را ایجاد نمی کند بلکه به سنخ های پیچیده و غیرقابل کنترل تری، از خشونت و دیگر مفاسد اجتماعی تبدیل می گردد.

لایحه مذکور اگرچه سعی نموده است با درگیرکردن نهادهای مختلف حاکمیتی به اجزاء و ابعاد پیشگیرانه، کیفری، حمایتی و بازپروانه سیاست جنایی توجه نماید لکن فقدان رویکرد سیستمی در سیاست جنایی، مشکل اساسی در این بخش است. آندسته از اقدامات پیشگیرانه غیرکیفری یا اقدامات ناظر بر بازپروای و حمایتی که در لایحه بدان توجه شده است، فاقد ضمانت اجرای مؤثر حقوقی است. به دیگر سخن آنجا که طرف لایحه مردم هستند ضمانت اجراهای عمدتاً کیفری پیش بینی شده است و آنجا که وظایف حاکمیتی پررنگ می شود، قواعد مطرح شده فاقد ضمانت اجرای مؤثر است.

همان‌گونه که برخی از صاحب‌نظران اذعان دارند، خلاء اصلی در مورد خشونت علیه زنان در کشور ما، نه در ناحیه قوانین محتوایی غیر کیفری یا کیفری؛ بلکه در سازوکارهای ناظر بر ضمانت اجرا در قوانین غیر کیفری و فرایند کشف تا دادرسی و اجرا در قوانین کیفری موجود است. برعکس لایحه موجود، در جرم‌انگاری و مجازات‌های کیفری ناظر بر مجرم پراشتها بوده و برای سازوکارهای ناظر بر محتوای غیر کیفری و مسئولیت‌های حاکمیتی، فاقد ضمانت اجرای کافی است.

۳،۱۴. مفاهیم کلی و عناوین مجرمانه تفسیرپذیر

استفاده از مفاهیم کلی و عناوین مجرمانه تفسیرپذیر و غیرمنقح از نظر حقوقی، از نقدهای دیگر لایحه است. این نقد در پیش‌نویس لایحه دولت پررنگ و در نسخه اصلاحی قوه قضائی ترقیق شده است، لکن کلیت آن همچنان باقی است. ابتناء لایحه بر چارچوب مفهومی پژوهش‌های اجتماعی (فوق‌الذکر)، ابتناء این پژوهش‌ها بر شاخص‌ها و گویه‌های نظریه‌های غیربومی و عدم انتقال این شاخص‌ها به زبان حقوقی، منشا اصلی این اشکال است. مفاهیمی مثل خشونت و شیوه طبقه‌بندی آن مصداقی از این مشکل است.

لایحه حقوقی و کیفری ناظر به مسئله خشونت علیه زنان، مستلزم تعاریف عملیاتی حقوقی از این مفاهیم است. به‌عنوان مثال پیش‌نویس لایحه تقدیمی از طرف دولت، خشونت را در سه شکل جسمی، روانی - عاطفی و جنسی تقسیم کرده و متعاقباً عناوینی مثل تجاوز، بهره‌کشی، تعرض، آزار و مزاحمت را ذیل قسم اخیر جای‌داده است. این نحوه طبقه‌بندی جرم اگرچه در روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی قابل توجیه است لکن با طبقه‌بندی عناوین مجرمانه در نظام حقوقی ایران هم‌ساز نیست.

در نظام حقوقی ایران، جرائم بر اساس طبقه‌بندی خاصی تفکیک می‌گردد (مثل جرائم علیه اشخاص، اموال، امنیت و آزادی‌ها) و تفسیر عمومی و اختصاصی از ارکان سه گانه جرم (رکن مادی، معنوی و قانونی)، متناسب با این طبقه‌بندی اعمال می‌شود. این تقسیم‌بندی در اصلاحات قوه قضاییه سعی شده جبران شود و کارهای خوبی نیز

انجام گرفته لکن هنوز مفاهیمی مثل کرامت، شخصیت و مرزهای حقوقی و قضایی بین اغفال و فریب و امثال آن منقح نشده است.

نتیجه

تدوین لایحه حقوقی با رویکرد جنسیتی زن‌محورانه به دو دلیل قابل دفاع به نظر می‌رسد. اول، بخشی از جرائم و انحرافات اجتماعی ریشه در جهات جنسیتی دارد و زنان به لحاظ ویژگی‌های جنسیتی ظرفیت آسیب‌پذیری و آسیب‌زایی برای جامعه دارند؛ دوم، لایحه جنسیتی زن‌محورانه، جرائم علیه زنان و با منشاء زنان را به «مسئله» حاکمیت و اجتماع تبدیل می‌کند و می‌تواند مشکل‌گشا باشد.

برخی انتقادات به کلیات و مواد لایحه موجود قابل طرح است. شاخص‌ترین نقدها به کلیت لایحه اجمالاً عبارتند از: نقد ناظر بر پژوهش‌های اجتماعی منتهی به لایحه، نقد ناظر بر استلزامات تبعیت لایحه از اسناد فراملی، خودنقیزی در اهداف، نقد ناظر بر هدف‌نگاری غیر فنی، عدم تفکیک روابط خانوادگی و اجتماعی، نقد رویکرد جنسیتی در قوانین، عدم لحاظ مناسبات حق و تکلیف، خروج موضوعی لایحه نسبت به خشونت علیه زنان به لحاظ ویژگی‌های جنسیتی، ولع جرم‌انگاری و جهش در مجازات‌ها، ابهام در نسبت لایحه با قوانین محتوایی و شکلی موجود، عدم نگاه جامع سیستمی، استفاده از مفاهیم کلی و عناوین مجرمانه تفسیرپذیر.

پیشنهاد راهبردهای اصلاحی

- انجام پیمایش‌های اجتماعی با رویکرد سیاست جنایی متناسب با واقعیت اجتماعی جامعه ایران.
- جمع‌آوری کلیه قوانین با رویکرد جنسیتی، آسیب‌شناسی علمی این قوانین با رویکرد جرم‌شناختی و کیفرشناختی و حقوقی.
- تدوین لایحه جنسیتی به معنای دقیق آن با توجه به ظرفیت‌ها و آسیب‌های اکتشافی در دو مرحله قبل.
- توجه به این نکته لازم است که لایحه جنسیتی باید جنبه‌های آسیب‌پذیر و آسیب‌زای ناشی از جنسیت را پوشش دهد؛ در بردارنده رویکرد جامع جنایی نسبت به

مراحل پیشینی و پسینی جرم و انحراف نیز باشد؛ ساختارهای عمومی (حاکمیتی) و خصوصی (مشارکتی) را با موضوع خشونت درگیر کند و صرفاً به ضمانت اجرای حقوقی و کیفری بسنده نکند، متناسب با مفاهیم عملیاتی حقوقی در نظام حقوق جمهوری اسلامی ایران تنظیم و تدوین گردد.

- رفع نکات اشاره شده در بررسی موردی مواد لایحه نیز می‌تواند راهکارهای علاجی موقت تلقی گردند.

- بر این اساس لازم است مسئله خشونت علیه زنان و مردان به شکل توأمان محور تدوین لایحه قرار گیرد.

۱. اعمایی، محدثه؛ استاد راهنما: محسن سیرغانی؛ و محمد بهروزیه. (بی‌تا). بررسی تطبیقی خشونت خانگی علیه زنان متاهل در قوانین کیفری ایران و اسناد بین الملل، بررسی موردی در شهرستان اسفراین.
۲. افسانه تازیکی بالا جلین استاد راهنما: لیلا اکبری. (بی‌تا). حمایت کیفری از زنان بزه دیده خشونت در حقوق ایران با نگاهی به لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت.
۳. افسون امیری استاد راهنما: حسین قربانیان. (بی‌تا). جهانی شدن خشونت علیه زنان با رویکرد جرم شناسی.
۴. اقدس سیف؛ مجید قورچی بیگی؛ و اعظم مهدی پور. (بی‌تا). بررسی ضمانت اجرای کیفری مقابله با خشونت علیه زنان در خانواده.
۵. آذر حسینی استاد راهنما: کلثوم قربانی جویباری استاد مشاور: حامد نوروزی. (بی‌تا). بررسی خشونت علیه زنان در پنج داستان دهه چهل (شوهر آهو خانم، شازده احتجاب، عزاداران بیل، سووشون و سنگ صبور).
۶. بررسی رابطه و وضعیت اجتماعی - اقتصادی و سواد رسانه‌ای با خشونت سایبری علیه زنان. (بی‌تا).
۷. بشرپور، سجاد؛ میکائیلی، نیلوفر؛ و ذبیحی، صغری. (۱۳۹۵). اثربخش آموزش خود دفاعی بر بهبود بهزیستی روانی، سازگاری زناشویی، انسجام خانوادگی و امید در زنان قربانی خشونت خانوادگی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه محقق اردبیلی - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
۸. بهناز صلاحی اشلقی استاد راهنما: سکینه محمدعلیزاده چرندابی استاد مشاور: نیلوفر ستارزاده جهدی. (بی‌تا). خشونت و کیفیت زندگی زنان سنین باروری مبتلا به اختلالات روانپزشکی.
۹. پرسشنامه استاندارد خشونت خانگی علیه زنان محسنی تبریزی (به صورت doc (بی‌تا).

۱۰. پروین یوسف‌زاده استاد راهنما: ذکراله مروتی استاد مشاور: طاهره الهی استاد مشاور: سید آریا حجازی. (بی‌تا). برخی پیشایندها و پسایندهای خشونت خانگی علیه زنان: ارائه یک مدل علی.

۱۱. چراتی، زهرا رضایی. (۱۳۹۳). تحلیل جامعه شناختی خشونت خانگی با تاکید بر خشونت علیه مردان (مطالعه موردی مردان متأهل شهر بابلسر) (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده دانشگاه مازندران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

۱۲. حبیب الرحمن قاضی زاده استاد راهنما: آرامش شهبازی استاد مشاور: سید قاسم زمانی. (بی‌تا). منع خشونت علیه زنان در نظام حقوقی افغانستان در پرتو تعهدات این دولت در چارچوب نظام بین المللی حقوق بشر.

۱۳. رضایی، پرویز بگ؛ زنجانی، حبیب الله؛ و اللهی، سیف الله سیف. (۱۳۹۶). فرا تحلیل مطالعات خشونت شوهران علیه زنان در ایران. فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، یازدهم (۳۸).

۱۴. زیبا احمدی استاد راهنما: اسماعیل بلالی. (بی‌تا). مطالعه تجربه زیسته زنان مبتلا به خشونت خانگی و کشف ریشه‌های اجتماعی آن در شهر همدان.

۱۵. ژاله شادی طلب. (بی‌تا). از نابرابری‌های جنسیتی تا کیفیت زندگی زنان. نشریه هفت شهر، ۰ (۶۱).

۱۶. سحر نجفی نیری استاد راهنما: فریبا سیدان. (بی‌تا). سنجش رابطه استفاده از رسانه‌های مجازی و توانمندی حقوقی زنان نسبت به خشونت علیه زنان.

۱۷. سلیمه طرح‌زاده استاد راهنما: اعظم مهدوی‌پور استاد مشاور: مجید قورچی بیگی. (بی‌تا). تحلیل حقوقی - جرم شناختی کارآمدی قوانین مربوط به خشونت خانگی علیه زنان از نگاه صاحب‌نظران؛ پژوهشی کیفی.

۱۸. سیده فاطمه میزبان استاد راهنما: افسانه توسلی استاد مشاور: مهرانگیز شعاع کاظمی. (بی‌تا). بررسی علل خشونت روانی علیه زنان شهر تهران.

۱۹. سیمبر، رضا؛ شیخ‌نشین، ارسلان قربانی؛ و شکوهی‌راد، نسترن. (۱۳۹۰). فعالیت‌ها و اقدامات سازمان ملل برای جلوگیری از پدیده خشونت علیه زنان: فرصت‌ها و

- چالش‌ها (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه گیلان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۲۰. شهربانو قهاری؛ محمدکاظم عاطف وحید؛ و حمید یوسفی. (بی‌تا). بررسی میزان همسرآزاری در دانشجویان دانشگاه آزاد تنکابن، سال ۱۳۸۲. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۵، ۸۳-۸۹.
۲۱. شیخ‌رباط، معصومه یوسفی؛ مهناز فرهمند؛ و سید رضا جوادیان. (بی‌تا). مقایسه میزان خشونت روانی-کلامی مردان و زنان در خانواده‌های شهر اصفهان.
۲۲. طباطبایی، سیدکاظم رسول‌زاده؛ گلپایگانی، طوبی شاکری؛ و عرب‌بافرانی، اکرم. (۱۳۸۸). بررسی حمایت‌های حقوقی و اجتماعی از زنان در برابر خشونت خانگی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه تربیت مدرس - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۲۳. علیرضا محسنی تبریزی؛ علیرضا کلدی؛ و مهدیه جوادیان زاده. (بی‌تا). بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز پزشکی قانونی و بهزیستی شهرستان یزد در سال ۱۳۸۹. طلوع بهداشت یزد، ۱۱(۳)، ۲۴-۱۱.
۲۴. غلامی، حسین؛ معظمی، شهلا؛ و مهنی، سیما برخوردی. (۱۳۸۹). حمایت از زنان بزه‌دیده خشونت‌های خانگی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۵. فایزه علویان امیری استاد راهنما: فرهاد الله‌وردی استاد مشاور: کیومرث کلانتری. (بی‌تا). سیاست جنایی قضایی ایران در ارتباط با زنان بزه دیده خشونت خانگی.
۲۶. فردین علی پور؛ حسن رفیعی؛ عایشه علیار؛ و میترا بهرامی. (بی‌تا-الف). ساخت و رواسازی فرم کوتاه پرسشنامه تجربه همسرآزاری. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۹(۷۲)، ۱۳۱-۱۵۴.
۲۷. قاضی طباطبائی، محمود؛ محسنی تبریزی، علیرضا؛ و مرجایی، هادی. (۱۳۸۳). طرح ملی بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان: یافته‌های (اهواز). (موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ایران. ریاست جمهوری. مرکز امور مشارکت

- زنان، و ایران. وزارت کشور. دفتر امور اجتماعی). تهران: وزارت کشور، دفتر امور اجتماعی.
۲۸. قراچورلو، رزا؛ زاد، حسین رستم؛ و ضیایی، زینب. (۱۳۹۰). رفع خشونت علیه زنان در اسناد بین المللی جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). غیر دولتی - دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۲۹. کرمی، محمدتقی؛ پناهی، محمدحسین؛ و مینایی، ماه‌گل عبدالله‌زاده. (۱۳۹۰). تاثیر سرمایه نمادین خانواده بر خشونت خانگی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه علامه طباطبائی - دانشکده علوم اجتماعی.
۳۰. کرمی، نیلوفر؛ و ارسلان کوشا. (بی‌تا). بررسی خشونت علیه زنان در نورآباد ممسنی در سال‌های ۹۱ تا ۹۶.
۳۱. کیوان امیرحسینی استاد راهنما: امیرمسعود امیرمظاهری استاد مشاور: منیژه نویدنیا. (بی‌تا). بررسی جامعه‌شناختی خشونت مردان علیه همسران و عوامل موثر بر آن.
۳۲. گلچین، مسعود؛ نبوی، سید حسین؛ و آبادی، سعید جان. (۱۳۹۵). مطالعه مقایسه‌ای نوع و میزان خشونت خانگی تجربه شده توسط زنان و مردان متأهل شهر زابل (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه خوارزمی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۳۳. مجیدی، زهره. (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی پدیده خشونت خانگی علیه مردان و برخی عوامل مرتبط با آن از دیدگاه مردان و زنان متأهل اراک در نیمه اول سال ۹۱ (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران.
۳۴. محبوبی منش، حسین؛ و حبیب زاده ملکی، اصحاب. (۱۳۹۰). جایگاه زنان ایران در فرآیند توسعه. مطالعات پلیس زن، ۱۵(۵)، ۹۶-۶۵.
۳۵. محمد مهدی حسینی (نام خانوادگی)؛ و احمدرضا توحیدی. (بی‌تا). خشونت علیه زنان در افغانستان از نگاه حقوق داخلی و بین‌المللی.

۳۶. مرضیه محبی استاد راهنما: فرهاد طلائی استاد مشاور: نادر مردانی. (بی‌تا). تعهدات دولت‌ها در پیشگیری و برخورد با خشونت علیه زنان در چارچوب حقوق بین الملل بشر.

۳۷. مریم کریمی استاد راهنما: امید عیسی نژاد. (بی‌تا). پدیدارشناسی تحمل خشونت خانگی در زنان.

۳۸. مریم لطیفیان استاد راهنما: ملیحه عرشی استاد مشاور: فردین علی پور استاد مشاور: غلامرضا قائدامینی هارونی. (بی‌تا). بررسی رابطه اعتیاد اینترنتی و خشونت خانگی با طلاق عاطفی.

۳۹. مژگان تعاونی استاد راهنما: سعید قماش استاد مشاور: محمد گنجی. (بی‌تا). مطالعه‌ی جرم‌شناختی خشونت علیه زنان در شهر زاهدان.

۴۰. مژگان معتمدی استاد راهنما: سیدرضا نقیب‌السادات استاد مشاور: علی اصغر کیا. (بی‌تا). نقش خبرنگاران و روزنامه نگاران در تصویرسازی خشونت علیه زنان.

۴۱. مسعود احمدزادا صل؛ فرنوش داودی؛ نو شین زارعی؛ هما محمد صادقی؛ نو شین خادم‌الرضا؛ و مریم رسولیان. (بی‌تا). طراحی و ارزیابی پرسش‌نامه سنجش آگاهی و نگرش نسبت به خشونت خانگی علیه زنان. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۹(۱)، ۵۳-۴۳.

۴۲. مقدس محمدی خسروی استاد راهنما: فریبا سیدان استاد مشاور: زهرا میرحسینی. (بی‌تا). بررسی رابطه تأمین نفقه و خشونت علیه زنان متأهل شهر همدان.

۴۳. مقصودی، سوده؛ و عسکری، زهرا. (۱۳۹۴). بررسی نوع، میزان خشونت خانگی علیه زنان باردار و عوامل موثر بر آن (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه شهید باهنر کرمان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

۴۴. میلانی، علیرضا؛ بخنوه، کریم؛ و مهرافزا، مهناز. (۱۳۹۱). بررسی حمایت کیفری از زنان در سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر لایحه قانون مجازات اسلامی و لایحه حمایت از خانواده (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده دولتی -

دانشگاه پیام نور (وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری) - دانشگاه پیام نور استان تهران - مرکز پیام نور تهران.

۴۵. میرغفوروند مژگان؛ محمدعلی زاده چرندابی سکینه؛ اصغری جعفرآبادی محمد؛ و اسدی صونیا. (۱۳۹۵). ارزش تشخیصی ابزار HITS در مقایسه با ابزار CTS۲ در غربالگری خشونت خانگی. حیات، ۲۲(۲) ۲۳۲#b، ۱۷۵-۱۸۴.

۴۶. ناصرنایف برید استاد راهنما: محمد رضا ظفری. (بی تا). خشونت علیه زنان در فقه اسلامی و قانون جنایی بررسی مقایسه ای.

۴۷. نجیبه کریمی استاد راهنما: عبدالله شفایی استاد مشاور: اسماعیل چراغی کوتیانی. (بی تا). جریان شناسی موافقان و مخالفان قانون منع خشونت علیه زنان در افغانستان.

۴۸. نیر محمدپور استاد راهنما: حسین بنی فاطمه استاد مشاور: محمد عباس زاده استاد مشاور: محمد باقر علیزاده اقدام. (بی تا). مطالعه سازه خشونت علیه زنان و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: زنان متاهل شهر تبریز).

۴۹. هادی عرب عامری استاد راهنما: عسل عظیمیان. (بی تا). ارزیابی میدانی خشونت علیه زنان از نگاه دستگاه انتظامی در حقوق ایران و کانادا.

۵۰. هادی قاضی زاده؛ کیانوش زهراکار؛ علیرضا کیامنش؛ و فرشاد محسن زاده. (۱۳۹۷). مدل مفهومی عوامل زمینه ساز خشونت زناشویی زنان علیه مردان از دیدگاه مردان. نشریه روان پرستاری، ۶(۴)، ۳۵-۴۸.

51. Cooper, David Graham. (۱۹۷۱). The Death of the Family. Allen Lane.

52. Thomas, K. B.; Urbancik, W.; Turecek, P. L.; Gritsch, H.; Schreiber, J.; Weber, A.; ... Schoppmann, A. (۱۹۹۹).

53. Continuous infusion of FVIII and FIX concentrates: in vitro analysis of clinically relevant parameters. Haemophilia: The Official Journal of the World Federation of Hemophilia, ۵(۱), ۲۵-۱۷. <https://doi.org/10.1046/j.2516.1999.00210-1365.x>